

چرا باید از حقوق بشر آگاه باشیم؟

یک راهنمای ساده و مقدماتی

موسی برزین | حقوق دان و وکیل دادگستری



پاییز ۱۴۰۴

چرا باید از حقوق بشر آگاه باشیم؟

یک راهنمای ساده و مقدماتی

موسی برزین
حقوق دان و وکیل دادگستری



|||||

تماس با وکیل در واتس اپ

+ ۹۰۵۵۱۰۳۳۲۵۷۵

www.dadban.info

Support@dadban.info

dadban2021

Daadbaan2021

dadban4

|||||



چرا باید از حقوق بشر آگاه باشیم؟

یک راهنمای ساده و مقدماتی

موسی برزین / حقوق دان و وکیل دادگستری

پاییز ۱۴۰۴

دادبان؛ مرکز مشاوره و آموزش حقوقی ویژه کنش گران

©2025 Dadban

فهرست

۶	مقدمه
۸	حقوق بشر چیست و چه انواعی دارد؟
۱۲	کدام اسناد بین‌المللی در رابطه با حقوق بشر مهم هستند؟
۱۵	چگونه به اسناد بین‌المللی حقوق بشر دسترسی پیدا کنیم؟
۱۸	قوانین مرتبط با حقوق بشر در ایران کدام‌ها هستند؟
۲۰	چه سازوکاری برای حمایت از حقوق بشر وجود دارد؟
۲۷	مصادق‌های حقوق بشر در قانون اساسی ایران کدام‌ها هستند؟
۲۹	حقوق ایران با اصول حقوق بشری تا چه اندازه مطابق است؟

مقدمه

اگر بخواهیم یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های جهان معاصر را برشماریم، بدون تردید باید از گسترش و تعمیق حقوق بشر یاد کنیم. همان‌گونه که صنعت، فناوری و شیوه‌های زیست بشر روزبه‌روز گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شوند، حقوق بنیادین انسان نیز در مسیر تکامل و توسعه قرار گرفته و دامنه نفوذ خود را بر تمامی عرصه‌های زندگی انسانی گسترده است. امروزه هر تحول و اصلاحی که در مقررات پدید می‌آید، هر قانونی که به تصویب می‌رسد، هر رأیی که از مراجع قضایی یا شبه قضایی صادر می‌شود و حتی هر تصمیم و عملی که از سوی افراد یا نهادها سر می‌زند، باید با اصول بنیادین حقوق بشر هماهنگ باشد. انسان معاصر به این درک رسیده است که بقای جامعه، بهره‌مندی از نعمت‌های حیات و دستیابی به تعالی فردی و جمعی، وابسته به احترام به مجموعه‌ای از اصول است که در مفهوم حقوق بشر متجلی می‌شود. حقوق بشر اکنون به‌مثابه معیار و ترازویی برای سنجش درستی یا نادرستی رفتارها به کار می‌رود؛ رفتاری که با این اصول سازگار باشد، پسندیده و درست، و رفتاری که با آن در تعارض باشد، نادرست و مردود تلقی می‌شود.

همین اهمیت روزافزون ایجاب می‌کند که همه انسان‌ها شناخت کافی از این حقوق داشته باشند و نسبت به ابعاد گوناگون آن و شیوه‌های پاسداری و مطالبه آن آگاهی پیدا کنند. پیچیدگی روزافزون روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و نیز قدرت گسترده دولت‌ها در مدیریت جامعه سبب شده است که هر شهروند ناگزیر باشد حقوق خود را

بشناسد، حدود رفتار دیگران و دولت را در برابر خود بداند و بتواند از حقوقش صیانت کند. آگاهی از حقوق بنیادین، از یک سو مانع تضییع حقوق فردی می‌شود و از سوی دیگر جامعه را مطالبه‌گر کرده و دولت‌ها را به سمت حمایت از کرامت و رشد انسان‌ها سوق می‌دهد. به بیان دیگر، شناخت حقوق بشر هم سود فردی دارد و هم منفعت جمعی؛ جامعه‌ای که شهروندان آن با حقوق خویش آشنا باشند، کم‌تر در معرض استبداد قرار می‌گیرد و زیست اجتماعی در آن سامان یافته‌تر و انسانی‌تر خواهد بود.

البته منظور از این‌که همه مردم باید از حقوق بشر آگاه باشند این نیست که لزوماً همچون یک حقوق‌دان به تمامی جزئیات حقوقی مسلط شوند، بلکه کافی است بدانند هر فرد در جامعه از چه حقوقی برخوردار است، دولت و دیگر افراد در چه چارچوبی باید با او رفتار کنند و در صورت نقض حقوق، چه راه‌هایی برای احقاق حق وجود دارد. با وجود آن‌که حقوق بشر در عصر حاضر ماهیتی جهانی یافته و بسیاری از اصول آن در همه کشورها معتبر دانسته می‌شود، اما نظام‌های حقوقی مختلف در چگونگی اجرای این اصول تفاوت‌هایی دارند؛ بنابراین آگاهی از قوانین داخلی نیز ضرورتی انکارناپذیر است. در همین راستا، در بسیاری از کشورهای پیشرفته، آموزش حقوق بشر به عنوان یک درس مستقل در برنامه‌های آموزشی مدارس جای گرفته و کودکان و نوجوانان از همان سال‌های نخست با این مفاهیم آشنا می‌شوند.

حقوق بشر چیست و چه انواعی دارد؟

در مورد مفهوم و معنای حقوق بشر^۱ نظریات فراوانی از متخصصان حوزه علوم انسانی وجود دارد. فیلسوفان، حقوق دانان، جامعه‌شناسان، مذهب‌پژوین و غیره هر کدام با پیش‌زمینه ذهنی خود تعاریف متفاوتی را از واژه‌هایی همچون حق، آزادی، حقوق بنیادین یا حقوق اساسی ارائه داده‌اند. به طور کلی می‌توان گفت حق، آزادی‌های است که از طرف نظم حقوقی مورد حمایت واقع می‌شوند و آزادی عبارت است از قدرت انجام‌دادن یک فعل یا ترک آن. رابطه حق و آزادی را می‌توان نوعی رابطه عموم و خصوص مطلق دانست. یعنی دایره حق کوچک‌تر و در درون دایره بزرگ‌تر آزادی قرار دارد. هر حقی حتماً آزادی هم هست اما برخی از آزادی‌ها ممکن است حق نباشند. به عنوان مثال خوابیدن یک آزادی است اما حق نیست. به طور کلی هر رفتاری که از طرف قانون مورد حمایت قرار گیرد حق است. البته این دو مفهوم به جای یکدیگر نیز به کار می‌روند و تفکیک کردن آن‌ها صرفاً جنبه تئوریک دارد. بر این اساس در رابطه با تعریف آزادی‌های اساسی می‌توان گفت قدرت انسان‌ها برای انجام فعل یا ترک فعل است و حقوق بشر آزادی‌هایی است که به عنوان امتیاز از طرف قانون به انسان‌ها اعطا شده است. به طور کلی در حوزه مبانی حقوق بشر دو

1. Human Rights.

نظریه عمده وجود دارد. ۱- نظریه حقوق طبیعی^۱ ۲- نظریه پوزیتیویسم^۲ یا اثبات‌گرایی. بر اساس نظریه حقوق طبیعی انسان‌ها از بدو تولد و حتی قبل از آن دارای حقوقی به اعتبار انسان بودن هستند و منشاء این حقوق طبیعت است بنابراین با هیچ قانونی حتی با قوانین شرعی نمی‌توان آن‌ها را از بین برد اما بر اساس نظریه پوزیتیویسم منشاء حق حقوق به معنای عام است که دست‌ساز بشر است و حق برای حفظ زندگی اجتماعی ایجاد شده است و ارتباطی به طبیعت ندارد. به هر حال فارغ از نظریات مختلف این امر هم اکنون مورد قبول خرد جمعی قرار گرفته است که یک سری از آزادی‌هایی وجود دارند که چه قوانین آن را قبول کنند، چه قبول نکنند، آن‌ها حق انسان‌ها محسوب شده و نمی‌توان در شرایط عادی آن‌ها را با تصمیم‌گیری‌های انسانی از بین برد.

در مورد تاریخچه حقوق بشر برخی اندیشمندان سابقه پیدایش حقوق بشر را به دوران باستان برده‌اند اما در واقع زمینه‌های آنچه که ما امروزه به عنوان حقوق بشر می‌شناسیم، از قرن ۱۶ میلادی در اروپا شکل گرفت و اولین تلاش سیستماتیک نیز بعد از انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه پدیدار شد. بعد از این انقلاب در همان سال «اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه»^۳ توسط مجلس مؤسسان وقت تصویب شد. این اعلامیه تاثیر بسیار بزرگی بر شکل‌گیری مفهوم حقوق بشر و گسترش آن داشت. پس از آن در کشورهای مختلف قاره اروپا مقوله آزادی‌های بنیادین به قوانین اساسی افزوده شد. این حرکت باعث شد تلاش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای شناسایی پارامای از حقوق به عنوان حق بشری به وجود آید. در این راستا در دسامبر سال ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر در سازمان ملل متحد پذیرفته شد. این اعلامیه جنبه توصیه‌ای داشت و الزام‌آور نبود به همین دلیل در سال‌های بعدی دو سند دیگر که کمی مفصل‌تر بود تنظیم شد. این دو سند عبارت بودند از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۶. هر دو این اسناد الزام‌آور بوده و اکثریت قریب به اتفاق کشورها همچون کشور ایران آن را پذیرفته‌اند.

در حوزه حقوق بشر تقسیم‌بندی‌های متفاوتی ارائه شده است. این تقسیم‌بندی‌ها

1. Natural Rights Theory.
2. Positivism Theory.
3. Declaration of the Rights of Man and the Citizen.

بیش‌تر جنبه آکادمیک و آموزشی داشته و در عمل دانستن آن‌ها ضرورتی ندارد. با این حال به طور خلاصه می‌توان گفت دو تقسیم‌بندی عمده در مورد حقوق بشر وجود دارد. یکی تقسیم‌بندی بر اساس ماهیت این حقوق و دیگری تقسیم‌بندی بر اساس زمان پیدایش آن‌ها است.

الف- تقسیم‌بندی بر اساس ماهیت حقوق: یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین تقسیم‌بندی حقوق بشر تقسیم‌بندی جورج یلینک (Georg Jellinek)، حقوق‌دان آلمانی، است. این حقوق‌دانان در کتاب خود به نام «سیستم حقوق ذهنی» - که در سال ۱۹۸۳ منتشر شد - حقوق بشر را به سه قسمت منفی، مثبت و فعال تقسیم‌بندی کرده است. حقوق نگاتیو یا منفی حقوقی هستند که از طرف دولت نباید مورد دخالت و تعرض قرار گیرند که بیش‌تر ناظر بر حقوق مدنی است. مانند حق بر حریم خصوصی یا حق حرکت و سفر که دولت نباید در آن دخالتی داشته باشد. حقوق مثبت یا پوزیتیو حقوقی هستند که دولت‌ها برای احقاق آن باید یک خدمتی به شهروندان ارائه دهند. این حقوق بیش‌تر ناظر به حقوق اقتصادی و سلامتی است مانند حق بر شغل یا حق بر درمان که دولت موظف است با یک رفتار یا خدمت در راستای احقاق این حق تلاش کند. حقوق فعال یا اکتیو حقوقی هستند که زمینه دخالت مردم در اداره دولت و کشور را فراهم می‌سازد از جمله حق مشارکت در انتخابات یا حق تاسیس و عضویت در احزاب.

ب- تقسیم‌بندی بر اساس زمان پیدایش: تقسیم‌بندی مهم دیگری که بر اساس تاریخ پیدایش حق‌های مختلف شکل گرفته، تقسیم‌بندی از طرف کارل وشاک (Karel Vasak)، حقوق‌دان فرانسوی، در سال ۱۹۷۹ صورت گرفته است. بر اساس این تقسیم‌بندی حق بشر به نسل اول، نسل دوم و نسل سوم تقسیم می‌شود. نسل اول حقوق بشر از لحاظ زمانی ابتدا شکل گرفته است و ناظر به آزادی‌های شخصی مانند آزادی عقیده و دین، آزادی بیان، داشتن امنیت و همچنین ناظر به حقوق سیاسی مانند حق مشارکت در فعالیت‌های سیاسی است. این نسل از آزادی‌ها در اعلامیه حقوق بشر و شهروند سال ۱۷۸۹ فرانسه برای اولین بار منعکس شده است. در سال‌های بعد بیش‌تر در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد آمده است. نسل دوم حقوق بشر، بعد از نسل اول و عمدتاً بعد از جنگ جهانی اول شکل گرفته و بیش‌تر ناظر به حقوق اقتصادی و اجتماعی مانند حق داشتن مسکن مناسب، حق درمان و حق بازنشستگی است. نسل

دوم حقوق بشر بیش‌تر در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۷۶ منعکس شده است. نسل سوم بعد از جنگ سرد و با آگاهی انسان‌ها از خطرات زیست محیطی شکل گرفته است و بیش‌تر ناظر بر حق بر محیط زیست سالم است. همچنین حقوقی همچون حق توسعه، حق صلح، حق کسب اطلاعات، حق توسعه میراث فرهنگی، حق بر میراث مشترک بشریت و کمک‌های بشردوستانه را شامل می‌شود. نسل سوم حقوق بشر را حقوق جمعی و حقوق همبستگی نیز می‌نامند. زیرا تمامی شهروندان می‌توانند در آن دخالت کنند و مرتبط با تمام جامعه است. در سال‌های اخیر با توسعه تکنولوژی برخی‌ها از نسل چهارم حقوق بشر نیز سخن گفته‌اند مانند حق بر حفاظت از اطلاعات شخصی انسان‌ها و حق بر فراموش شدن در فضای مجازی و یا مصون ماندن از آزمایشات ژنتیکی.

کدام اسناد بین‌المللی در رابطه با حقوق بشر مهم هستند؟

در حوزه حقوق بشر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای فراوانی تصویب شده است که برخی از آن‌ها مسائل کلی و برخی صرفاً به یک موضوع خاص می‌پردازد. ذکر همه این اسناد در این کتابچه نه امکان‌پذیر است و نه فایده‌ای دارد. به همین دلیل صرفاً اسناد بین‌المللی مهم مرتبط با حقوق بشر ذکر می‌شود.

۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

۲- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد: این کنوانسیون از ۲۳ مارچ ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا شده است و دو پروتکل اختیاری و ۳۶ اظهار نظر عمومی دارد. کشور ایران در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۴ به این میثاق پیوسته است و این الحاق بعد از انقلاب سال ۵۷ تا کنون ادامه دارد. این الحاق بی قید و شرط می‌باشد.

1. Universal Declaration of Human Rights.

2. International Covenant on Civil and Political Rights.

۳- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱ مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد: این کنوانسیون از تاریخ ۳ ژانویه ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا شده است. کشور ایران در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۴ به این کنوانسیون ملحق شده و این الحاق تا کنون ادامه دارد. این الحاق بی قید و شرط می‌باشد. در مورد این کنوانسیون تا کنون یک پروتکل اختیاری و ۲۵ نظریه عمومی صادر شده است.

۴- کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی^۲ مصوب ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد: این کنوانسیون در تاریخ ۳۰ تیرماه سال ۱۳۴۷ به تصویب مجلس ایران رسید و بدین وسیله دولت ایران بدان ملحق شد.

۵- کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان^۳ مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد: این کنوانسیون تا کنون مورد پذیرش ایران قرار نگرفته است.

۶- کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بیرحمانه، غیر انسانی یا ترذیلی^۴ مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد: علی‌رغم تلاش‌هایی که در سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳ برای پذیرفتن این کنوانسیون در مجلس ایران شد اما این تلاش‌ها به نتیجه نرسید و تا کنون دولت ایران به این کنوانسیون نپیوسته است.

۷- اعلامیه رفع تمامی اشکال تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد^۵ مصوب ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱.

۸- اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی یا زبانی^۶

1. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights.
2. International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination.
3. Convention on the Elimination of all Forms of Discrimination Against Women.
4. Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment.
5. Declaration on the Elimination of All Forms of Intolerance and of Discrimination Based on Religion or Belief.
6. Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities.

مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲.

۹- کنوانسیون حقوق کودک^۱ مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد: کشور ایران در ۱ اسفند ۱۳۷۲ به این کنوانسیون به صورت مشروط پیوست.

۱۰- کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت^۲ مصوب ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد: کشور ایران در تاریخ ۱۳ آذرماه ۱۳۸۷ این کنوانسیون را به طور مشروط پذیرفته است.

۱۱- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۳ مصوب ۴ نوامبر ۱۹۵۰: اعضای این کنوانسیون اعضای شورای اروپا هستند.

۱۲- کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۴ مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹: اعضای این کنوانسیون برخی کشورهای قاره آمریکا هستند. ایالات متحده آمریکا و کانادا این کنوانسیون را تایید نکرده‌اند. دو کشور ونزوئلا و ترینیداد و توباگو این کنوانسیون را محکوم کرده‌اند.

۱۳- کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم^۵ لازم‌الاجرا شده در ۲۱ اکتبر ۱۹۸۶.

1. Convention on the Rights of the Child.

2. Convention on the Rights of Persons with Disabilities.

3. European Convention on Human Rights.

4. AMERICAN CONVENTION ON HUMAN RIGHTS.

5. African Charter on Human and Peoples' Rights.

چگونه به اسناد بین‌المللی حقوق بشر دسترسی پیدا کنیم؟

برای دستیابی به نسخه‌های انگلیسی اسناد حقوق بشر می‌توان به [این سایت](#) که متعلق به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد است مراجعه کرد. برای دستیابی به نسخه‌های فارسی اسناد بین‌المللی حقوق بشر می‌توان به سایت‌های زیر مراجعه کرد.

- مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد- تهران
- دادبان؛ مرکز مشاوره و آموزش حقوقی ویژه کنش‌گران
- بنیاد عبدالرحمن برومند برای حقوق بشر در ایران.

همچنین از طریق [این لینک](#) با انتخاب کشور ایران در کادر سمت راست و کلیک روی گزینه سرچ در پایین صفحه امکان دسترسی به تمام اسناد مربوط به ایران از جمله گزارش کمیته‌های مختلف سازمان ملل متحد در ارتباط با حقوق بشر در مورد ایران و همچنین پاسخ‌های دولت ایران از ابتدا تا کنون وجود دارد. در ستون دوم امکان فیلتر کردن بر اساس کمیته‌ها وجود دارد. در ستون سوم هم امکان فیلتر کردن بر اساس نوع سند وجود دارد. در ستون چهارم در کادر Symbol امکان جستجو بر اساس شماره سند وجود دارد. همچنین اگر به دنبال اسناد مربوط به تاریخ خاصی هستید می‌توانید در کادر دوم و سوم دستور

فیلتر بر اساس تاریخ را بدهید.

نکته نخست

اعلامیه با کنوانسیون یا معاهده تفاوت دارد. اعلامیه جنبه توصیه‌ای دارد و الزام‌آور نیست. یعنی چه کشوری به آن رأی داده باشد و چه کشوری به آن رأی نداده باشد الزامی برای اجرای آن در کشور خود را ندارد اما در مورد کنوانسیون اینطور نیست. اگر کشوری آن را بپذیرد و بر اساس مقررات داخلی خود آن را تصویب کند همانند قانون لازم‌الاجرا بوده و محاکم قضایی و غیرقضایی موظف به اجرای آن هستند. حتی در برخی کشورها کنوانسیون‌های پذیرفته‌شده اعتبار بیش‌تری از قانون عادی دارند به طوری که اگر قانون عادی در تعارض با مفاد این کنوانسیون‌ها باشند مقررات کنوانسیون‌ها اجرا خواهد شد.

نکته دوم

پذیرش مشروط با پذیرش مطلق یک سند بین‌المللی تفاوت دارد. همان‌طور که در اسناد بالا مشاهده می‌شود، کشور ایران به برخی اسناد مانند کنوانسیون حقوق کودک به صورت مشروط پیوسته و به برخی از اسناد مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به صورت مطلق پیوسته است. پذیرش مطلق یعنی این‌که تمامی مفاد آن عهدنامه بدون قید و شرط مورد پذیرش قرار گرفته و آن مفاد همانند قوانین داخلی لازم‌الاجرا است. اما پذیرش مشروط یعنی این‌که دولت امضاکننده یک معاهده یک شرطی را برای اجرای آن می‌گذارد. کشور ایران این رویه را بعد از انقلاب ۵۷ پیش گرفته و بیش‌تر با هدف رفع تعارض بین مفاد سند بین‌المللی با مقررات شرعی و بعضاً مقررات داخلی انجام شود. به عنوان مثال در کنوانسیون حقوق کودک، کودک به فرد زیر سن ۱۸ سال گفته می‌شود حال آن‌که در حقوق ایران کودک یا طفل کسی است که به سن بلوغ شرعی (۱۵ سال برای پسران و ۹ سال برای دختران) نرسیده باشد. اگر دولت ایران بخواهد به صورت مطلق کنوانسیون حقوق کودک را قبول کند، باید در مقررات داخلی خود کودک را فرد زیر ۱۸ سال بداند و این مستلزم تغییر در قوانین داخلی است که ممکن است به مغایرت با شرع بینجامد. به همین دلیل است که ایران این کنوانسیون را به صورت مشروط یعنی به شرط عدم تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی پذیرفته است. در برخی موارد نیز

شاهد هستیم یک سند بین‌المللی مطلقاً پذیرفته نمی‌شود. دلیل این امر هم تعارض شاکله و ماهیت آن سند با مقررات داخلی یا شرعی است. به عنوان مثال در حالی که اکثریت قریب به اتفاق کشورها کنوانسیون منع شکنجه را پذیرفته‌اند ایران تا کنون از امضای آن خودداری کرده است. دلیل آن هم این است که در این کنوانسیون مجازات‌های بدنی ممنوع شده‌اند، حال آن‌که در قوانین کیفری ایران به وفور مجازات‌های بدنی مثل شلاق یا قطع عضو مشاهده می‌شود. این مجازات‌ها نیز عمدتاً برگرفته از فقه اسلامی‌اند.

اگر ایران بخواهد کنوانسیون منع شکنجه را قبول کند قطعاً با یک تعهد سخت مواجه می‌شود تا تمام مجازات‌های بدنی را از قوانین خود برچیند که این اراده فعلاً در میان مسئولان بلند پایه کشور مشاهده نمی‌شود. همچنین است در مورد کنوانسیون «رفع هر گونه تبعیض علیه زنان» که ایران یکی از چهار کشوری است که به آن نپیوسته است. پذیرش مشروط یک معاهده بین‌المللی را در حقوق بین‌الملل حق شرط یا حق تحدید تعهد می‌گویند که منشاء آن کنوانسیون وین است. در مورد این که آیا پذیرش مشروط امری صحیح است یا نه نظرات مختلفی ابراز شده است اما اگر موضوع را در چهارچوب حقوق بشر بخواهیم بررسی کنیم با توجه به این که حقوق بشر امری جهان‌شمول بوده و به وصف انسان بودن تظاهر پیدا می‌کند، این که یک کشوری برخی از مقررات حقوق بشر را که مورد پذیرش جهان قرار گرفته قبول کند و بخشی را نه و یا بیان کند در صورتی که این مقررات با شرع تعارض نداشته باشد اجرا خواهد شد، برخلاف منطق و هدف حقوق بشر است.

قوانین مرتبط با حقوق بشر در ایران کدام‌ها هستند؟

در حقوق ایران نیز مانند بسیاری از دیگر کشورها یک قانون خاص مربوط به حقوق بشر وجود ندارد اما آزادی‌های اساسی در قوانین و مقررات مختلف پراکنده شده‌اند. مقررات ذیل را می‌توان مهم‌ترین منابع حقوق بشر در ایران دانست:

۱- اصل نوزده الی چهل‌وسه قانون اساسی ایران تحت عنوان حقوق ملت، برخی از حقوق بنیادین را به رسمیت شناخته است.

۲- اسناد و معاهداتی که دولت ایران آن‌ها را پذیرفته‌اند بر طبق ماده ۹ قانون مدنی ایران منعقد شده است در حکم قانون می‌باشند. اسناد لازم‌الاجرا مرتبط با حقوق بشر که دولت ایران بدان‌ها پیوسته است عبارتند از:

- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی
- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- کنوانسیون بین‌المللی رفع هر گونه تبعیض نژادی
- کنوانسیون حقوق کودک (به صورت مشروط)
- کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (به صورت مشروط)

- کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی و مجازات آن^۱
- کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان.^۲

از این لینک می‌توان تمام اسناد مرتبط با حقوق بشر و غیر آن را که ایران بدان پیوسته است یافت. در ستون سمت چپ نام هر کشوری که انتخاب شود، اسناد بین‌المللی که آن کشور آن را پذیرفته است یا در ارتباط با آن کشور است لیست می‌شود.

۳- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۳.

۴- برخی مقررات قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی.

1. Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide.

2. Convention Relating to the Status of Refugees.

چه سازوکاری برای حمایت از حقوق بشر وجود دارد؟

به طور کلی اگر یک متنی که حاوی مقرراتی است ضمانت اجرا و سازوکاری برای اجرای آن و جلوگیری از نقض آن نداشته باشد آن متن ارزش و اعتباری نخواهد داشت زیرا در این صورت آن متن به یک نصیحت و توصیه ساده تبدیل می‌شود و همگان بدون این که نگران واکنشی باشند می‌توانند مفاد آن متن را نقض کنند. برای جلوگیری از این امر جهت اجرا شدن یک متن قانونی سازوکارهایی پیش‌بینی شده که مهم‌ترین آن‌ها محاکم قضایی است. در مورد نقض حقوق بشر هم این چنین است. به طور عمده در زمینه ضمانت اجرای حقوق بشر دو مرجع داخلی و فراسرزمینی وجود دارد که جداگانه به هر دو می‌پردازیم:

۱- مراجع فراسرزمینی

با توجه به توسعه حقوق بشر و به وجود آمدن اسنادی که جنبه فراسرزمینی دارند، سازوکارهای فراسرزمینی هم برای حمایت از این اسناد شکل گرفته‌اند. برخی از این سازوکارها منطقه‌ای و برخی بین‌المللی هستند. تصمیمات این مراجع در برخی حالات جنبه الزام‌آور داشته اما در برخی موارد صرفاً پشتوانه سیاسی دارد. مهم‌ترین این مراجع به این شکل است

دادگاه‌های منطقه‌ای

دادگاه‌های منطقه‌ای دادگاه‌هایی هستند که بر اساس پیمان چند جانبه بین کشورهای یک منطقه جغرافیایی شکل گرفته‌اند. در دنیا سه دادگاه منطقه‌ای مرتبط با حقوق بشر وجود دارد:

۱- دادگاه اروپایی حقوق بشر، واقع در استراسبورگ، فرانسه^۱

۲- دیوان آمریکایی حقوق بشر، واقع در سان خوزه، کاستاریکا^۲

۳- دیوان آفریقایی حقوق بشر، واقع در آروشا، تانزانیا.^۳

کشورهای عضو شورای اروپا عضو دادگاه اروپایی حقوق بشر هستند. برخی از این کشورها در قاره اروپا واقع نشدند مانند آذربایجان، ترکیه و گرجستان اما کشورهای عضو دادگاه حقوق بشر آمریکایی همه در قاره آمریکا و کشورهای عضو دادگاه آفریقایی حقوق بشر همه در قاره آفریقا هستند. دادگاه اروپایی حقوق بشر بیش‌تر از دو دادگاه دیگر در رابطه با توسعه حقوق بشر و الزام کشورهای عضو به رعایت موازین حقوق بشر نقش داشته است. این دادگاه تا کنون هزاران رأی در رابطه با حقوق بشر صادر کرده و به یک مرجع برای کسانی که حششان به نحوی ضایع شده است تبدیل شده است.

دادگاه اروپایی حقوق بشر صرفاً به پرونده‌هایی رسیدگی می‌کند که در حوزه کشورهای عضو رخ داده است. این دادگاه فقط در چهارچوب حقوقی که در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پیش‌بینی شده است صلاحیت رسیدگی دارد و فقط بعد از طی شدن و تمام شدن مراحل حقوق داخلی کشور مورد نظر وارد رسیدگی می‌شود. با توجه به این‌که این دادگاه‌ها ارتباطی با ایران ندارد از توضیح بیش‌تر خودداری می‌شود.

باید توجه کرد که دادگاه اروپایی حقوق بشر متفاوت از «دادگاه عدالت اتحادیه اروپا»^۴ است. دادگاه عدالت وابسته به اتحادیه اروپا است و بیش‌تر وظیفه هماهنگ‌سازی تفاسیر حقوقی و رفع اختلافات حقوقی کشورهای عضو اتحادیه اروپا را دارد. این دادگاه ارتباطی به مسائل حقوق بشر ندارد. لازم به ذکر است اتحادیه «آسه آن» و «شورای همکاری

1. European Court of Human Rights.

2. Inter-American Court of Human Rights.

3. African Court on Human and Peoples' Rights.

4. Court of Justice of the European Union.

کشورهای خلیج فارس» نیز کمیته‌های ناظر بر حقوق بشر کشورهای عضو پیش‌بینی کرده‌اند که تا کنون پیشرفت و اثری نداشته است. نیز کمیته‌های

مراجع بین‌المللی

مراجع بین‌المللی را در دو قسمت می‌توان بررسی کرد:

- ۱- یک دادگاه‌های بین‌المللی مرتبط با حقوق بشر
- ۲- دو کمیته‌های سازمان ملل متحد مرتبط با حقوق بشر.

دادگاه‌های بین‌المللی

دیوان بین‌المللی کیفری: دیوان بین‌المللی کیفری^۱ بر اساس اساسنامه رم در اول جولای ۲۰۰۲ میلادی تشکیل شده و تا کنون ۱۲۳ کشور عضو آن شده‌اند. این دادگاه بر اساس اساسنامه رم که در ۱۷ جولای ۱۹۸۸ تصویب و در جولای ۲۰۰۲ اجرایی شد آغاز به فعالیت کرده است. به طور کلی این دادگاه نسبت به چهار مورد صلاحیت رسیدگی دارد که عبارتند از نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت تجاوز. گرچه با تفسیرهای بعدی برخی از افعال همچون تخریب گسترده محیط زیست هم وارد صلاحیت این دادگاه شد اما همچنان صلاحیت این دادگاه بسیار محدود است

تا کنون این دادگاه به ۱۴ پرونده رسیدگی کرده است. کشور ایران علی‌رغم این‌که اساسنامه رم را امضا کرده است اما آن را در مجلس به تصویب نرسانده است. مقر این دادگاه در شهر لاهه هلند است. این دیوان تنها دادگاه بین‌المللی در ارتباط با نقض حقوق بشر است. توجه شود این دادگاه متفاوت با «دادگاه بین‌المللی دادگستری»^۲ است که رکن قضایی سازمان ملل متحد است. دادگاه بین‌المللی دادگستری که مقر آن هم در لاهه بوده و مشهور به دادگاه لاهه است صرفاً به اختلافات حقوقی بین دولت‌ها رسیدگی کرده و ارتباطی با حقوق بشر ندارد.

1. International Criminal Court.

2. International Court of Justice.

کمیته‌های سازمان ملل متحد

در ارتباط با کنوانسیون‌های الزام‌آور مرتبط با حقوق بشر که در سازمان ملل متحد تصویب شده است، کمیته‌هایی وجود دارند که کارشان نظارت بر اجرای کنوانسیون مورد نظر است. این کمیته‌ها در مورد وضعیت حقوقی کشورهای امضاکننده و رفتار مسئولان آن کشورها در اجرای کنوانسیون مربوطه جلسات منظم متعددی برگزار کرده و به صورت دوره‌ای گزارش می‌دهند. این گزارش‌ها به دولت مربوطه هم ارسال و آن دولت موظف به پاسخ‌دادن است. نهایتاً این گزارش‌ها در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد یا مجمع عمومی مطرح شده و وضعیت یک کشور در ارتباط با حقوق بشر سنجیده می‌شود. اگر این گزارش‌ها حاکی از نقض حقوق بشر در یک کشور باشد به آن کشور توصیه می‌شود تا موارد نقض حقوق بشر را مرتفع سازد و اگر آن کشور امتناع کرد در شرایطی پیامدهایی همچون تحریم اقتصادی برای آن کشور را به همراه می‌آورد. توضیح مشروح وظایف هر کمیته و نحوه کار آن در این جزوه امکان‌پذیر نیست به این دلیل صرفاً نام این کمیته‌ها ذکر می‌شود:

- ۱- کمیته حقوق بشر که ناظر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است (CCPR)
- ۲- کمیته حقوق حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی (CESCR)
- ۳- کمیته رفع تبعیض نژادی (CERD)
- ۴- کمیته رفع تبعیض علیه زنان (CEDAW)
- ۵- کمیته منع شکنجه (CAT)
- ۶- کمیته حقوق کودک (CRC)
- ۷- کمیته کارگران مهاجر (CMW)
- ۸- کمیته حقوق افراد دارای معلولیت (CRPD)
- ۸- کمیته ناپدیدشدگان اجباری (CED).

نکته

بر اساس تصمیم شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد امکان این‌که در مورد یک کشور گزارشگر ویژه‌ای برای گزارش کردن وضعیت حقوق بشر یک کشور تعیین شود وجود دارد. در مورد ایران سال‌ها است که گزارشگر ویژه تعیین می‌شود. گزارشگر ویژه موظف است

وضعیت حقوق بشر کشور مورد نظر را به هر طریق ممکن و به صورت همه جانبه بررسی کرده و نهایتاً گزارش‌های دوره‌ای خود را به شورای حقوق بشر بدهد.

۲- مراجع داخلی

در هر کشوری دادگاه‌های آن کشور مسئول رسیدگی به نقض قانون هستند. اگر در یک کشور یک قانونی که حاوی حقوق بشر است نقض شود دادگاه‌های آن کشور مکلف هستند که با نقض برخورد کرده و کسی که حقیض ضایع شده است را حمایت کنند. در تمامی کشورها دادگاه خاصی که صرفاً صلاحیت رسیدگی به نقض حقوق بشر را داشته باشد و به عبارتی دادگاه حقوق بشر باشد وجود ندارد اما در اغلب کشورها دادگاه قانون اساسی موجود است که بخش اعظمی از فعالیت آن رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر مندرج در قانون اساسی است. با توجه به این که حقوق بنیادین شهروندان در قوانین اساسی ذکر می‌شوند، دادگاه‌های قانون اساسی که حافظ این قانون هستند به طرق مختلف برای جلوگیری از نقض حقوق بشر تلاش می‌کنند. در این دادگاه‌ها معمولاً اشخاص و احزاب می‌توانند تقاضا دهند تا قوانینی که برخلاف موازین حقوق بشر است نقض شوند یا اگر از دادگاه‌های پایین‌تر حکمی صادر شود که از بین‌برنده یا محدودکننده یک حق بنیادین باشد شخص ذی‌نفع حق تقاضای ابطال آن حکم را خواهد داشت. به عبارتی در دهه‌های اخیر دادگاه‌های قانون اساسی نقش بسیار زیادی در توسعه حقوق بشر داشته‌اند. با این وجود متأسفانه در کشور ایران تا کنون چنین دادگاهی شکل نگرفته است.

بر اساس قانون اساسی ایران شورای نگهبان مسئول است که به هنگام تصویب قوانین انطباق آن با قانون اساسی یا شرع را بررسی کند اما این مقرر به هیچ وجه نمی‌تواند کاری را که یک دادگاه قانون اساسی انجام می‌دهد را انجام دهد چرا که اولاً شورای نگهبان دادگاه نبوده و اعضای آن هم قاضی نیستند. دوماً شورای نگهبان حق ابطال قوانین تصویب‌شده را ندارد در حالی که در بسیاری از موارد انطباق قوانین عادی با قانون اساسی بعد از اجرای آن قانون در عمل مشخص می‌شود. سوماً این که شورای نگهبان نمی‌تواند به ادعاهای شهروندان در مورد نقض حقوق بنیادی آن‌ها در احکام صادره از دادگاه‌ها رسیدگی کند. از طرف دیگر با توجه به این که در منطقه دادگاه منطقه‌ای مرتبط با حقوق بشر همچون دادگاه اروپایی حقوق بشر وجود ندارد، برای جلوگیری از نقض حقوق بشر در ایران سازوکار

قضایی موجود نیست. به هر حال در ایران مراجع قضایی مهم‌ترین مرجعی هستند که می‌توانند در رابطه با حفظ حقوق بنیادین شهروندان تاثیر گذار باشند.

در کنار مراجع قضایی می‌توان به یک نهاد دولتی دیگر که وظیفه آن نظارت بر وضعیت حقوق بشر در ایران است نام برد و آن «ستاد حقوق بشر قوه قضائیه» است. ریاست این ستاد با رئیس قوه قضائیه است و اعضای آن عبارتند از دبیر ستاد به انتخاب رئیس قوه قضائیه، دادستان کل کشور، رئیس دیوان عالی کشور، وزیر کشور، وزیر دادگستری، وزیر امور خارجه، وزیر اطلاعات، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، رئیس سازمان زندان‌ها، مسئول کمیته حقوقی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، معاونت امنیت بین‌الملل دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، فرمانده نیروی انتظامی و دو نفر از حقوق‌دانان یا قضات باسابقه. نحوه فعالیت و وظایف این ستاد به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی و آیین‌نامه‌ای است که بر این اساس تنظیم شده است. این ستاد بیش‌تر مسئول هدایت و پیگیری کلیه امور مربوط به ستاد حقوق بشر در سطح داخلی، خارجی و بین‌المللی با همکاری و هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط است که البته در عمل صرفاً به پاسخگویی به گزارش‌های سازمان ملل متحد و شورای حقوق بشر در ارتباط با وضعیت حقوق بشر ایران متمرکز شده است. با این حال اگر شهروندان در مورد خود و دیگری با نقض حقوق بشر مواجه شوند این امکان وجود دارد که به این ستاد گزارش دهند.

نکته

در حقوق برخی کشورها پیش‌بینی شده است که در صورتی که یک جرم برهم زننده نظم جهانی مانند تروریسم یا نقض سیستماتیک و گسترده حقوق بشر در خارج از مرزهای آن کشور رخ دهد و مجرم و قربانی هم اهل و ساکن آن کشور نباشند، امکان رسیدگی در داخل آن کشور وجود خواهد داشت. این امر در حقوق به صلاحیت جهانی مشهور است. صلاحیت جهانی مکانیزمی برای محاکمه کردن افراد ناقض حقوق بشری است که در کشور خود به دلیل مسائل سیاسی و غیره محاکمه نمی‌شوند. یک نمونه از اعمال صلاحیت جهانی برای حمایت از حقوق بشر را می‌توان دستگیری و محاکمه قاضی سابق ایران به نام حمید نوری در سوئد بیان کرد. ایشان در دهه شصت هجری در ایران سمتی در قوه قضائیه داشته و ادعا شده است که او در اعدام‌های دهه شصت نقش موثری داشته و مرتکب

جنايت عليه بشریت شده است. به همین دلیل مقامات قضایی سوئد ایشان را در این کشور دستگیر کرده و بر اساس صلاحیت جهانی که در حقوق خود پیش‌بینی شده است اقدام به تشکیل پرونده کیفری علیه او کرده‌اند. حمید نوری نهایتاً به حبس ابد محکوم شد اما بعد از مدتی با برخی از زندانیان خارجی در ایران مبادله و به ایران بازگردانده شد.

مصادقات‌های حقوق بشر در قانون اساسی ایران کدام‌ها هستند؟

مواد نوزدهم تا چهل و دوم قانون اساسی ایران به حقوق ملت اختصاص داده شد. گذشته از این‌که در برخی موارد شرایط احقاق این حقوق مشروط به شروط مبهمی شده است و در برخی موارد ضمانت اجرایی در قوانین عادی پیش‌بینی نشده است، عنوان این حق‌ها به شرح ذیل است:

- برخورداری از حمایت قانون بدون تبعیض قومی
- برخورداری از حمایت قانون بدون تبعیض جنسیتی
- حق حیات و جسم
- حق احترام به تمامیت معنوی
- حق احترام به مسکن و داشتن مسکن مناسب
- آزادی عقیده
- آزادی مطبوعات
- حق احترام به حریم خصوصی
- حق تشکل
- حق اجتماعات
- حق آزادی در تعیین شغل

- حق برخورداری از تامین اجتماعی
- ممنوعیت تعرض
- حق برخورداری از دادرسی عادلانه
- حق انتخاب وکیل
- ممنوعیت شکنجه
- حق داشتن تابعیت.

برای مشاهده مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی می‌توانید به [این نشانی](#) مراجعه کنید. در مورد هر اصل، مذاکرات مجلس تدوین قانون اساسی موجود است. مطالب مندرج در این مذاکرات گرچه الزام‌آور نیست اما می‌تواند نگرش صحیحی نسبت به هدف اصلی اصول پیش‌بینی‌شده در قانون اساسی ایجاد کند. به عنوان مثال در مورد اصل ۲۷ هم اکنون اختلاف وجود دارد که آیا تشکیل راهپیمایی و تظاهرات به عنوان یک حق منوط بر اخذ مجوز است یا نه و آیا دولت می‌تواند این حق را محدود کرده و به عده‌ای اجازه راهپیمایی ندهد یا نه؟ در واقع قوانینی مانند قانون احزاب و جمعیت‌های سیاسی اخذ مجوز از شورای تامین برای راهپیمایی که از طرف احزاب راه‌اندازی می‌شوند را ضروری دانسته یا این‌که در عمل شورای تامین استان با بسیاری از درخواست‌های راهپیمایی مخالفت می‌کند، حال آن‌که از مشروح مذاکرات مربوط به اصل ۲۷ مشخص است که تصویب‌کنندگان این اصل اخذ مجوز قبلی را ضروری ندانسته‌اند. یا این‌که مثلاً در اصل ۱۵ پیش‌بینی شده است که تدریس زبان و ادبیات قومیت‌های ایرانی در مدارس آزاد است اما صراحتاً مشخص نیست که آیا دولت وظیفه دارد در مدارس زبان و ادبیات اقوام را تدریس کند یا نه، در حالی که از مذاکرات تصویب‌کنندگان قانون اساسی می‌توان فهمید که منظور این بوده که تعلیم زبان و ادبیات متعلق به قومیت‌ها یک حقی برای آن‌ها است و دولت در قبال این حق، مکلف به اجرای آن و تامین امکانات لازم برای ایفای آن است.

همچنین ویدیوهای مذاکرات مجلس تدوین قانون اساسی نیز در فضای اینترنت منتشر شده است که با یک جستجوی ساده امکان دسترسی به آن وجود دارد.

حقوق ایران با اصول حقوق بشری تا چه اندازه مطابق است؟

اگر بخواهیم یک تحلیل مختصر از میزان تطابق حقوق ایران با اصول حقوق بشری داشته باشیم می‌توانیم بگوییم که قوانین ایران در موارد قابل توجهی متعارض با اصول جهانی حقوق بشر و حتی حقوق مندرج در قانون اساسی است که مهم‌ترین آنان عبارتند از:

۱- تبعیض جنسیتی

علی‌رغم این‌که در اصل بیستم قانون اساسی به برابری زن و مرد اشاره شده و در بسیاری از اسناد بین‌المللی هم این امر مورد تاکید قرار گرفته قوانین ایران تعارض جدی با اصل برابری زن و مرد دارد. به عنوان مثال زنان حق طلاق ندارند، دیه و سهم‌الارث آنان نصف مردان است، اشتغال آنان در برخی مشاغل مثل قضاوت ممنوع است، در نهاد خانواده اختیارات بسیار محدودی نسبت به مردان دارند، برای برخی از کارها باید اجازه پدر یا شوهر را داشته باشند مانند سفر به خارج یا ازدواج و مواردی از این قبیل.

۲- تبعیض دینی و مذهبی

گرچه مطابق برخی اصول قانون اساسی همچون اصل ۱۳ و ۱۴ مسلمانان و غیرمسلمانان باید از حقوق مساوی برخوردار باشند اما در قوانین مختلف تبعیض‌هایی در این مورد

مشاهده می‌شود که منجر به نقض حقوق اساسی غیرمسلمان‌ها شده است. به عنوان مثال معتقدبودن به دین اسلام و ادیان شناخته‌شده در قانون اساسی شرط استخدام دولتی است، افراد غیرمسلمان از اشتغال به برخی مشاغل مثل قضاوت منع شده‌اند، افراد غیر شیعه حق انتخاب‌شدن به عنوان رئیس‌جمهور را ندارند، ازدواج با غیرمسلمان‌ها یا ممنوع یا محدود شده است، مجازات‌های جنایت نسبت به مسلمان یا غیرمسلمان متفاوت است و مسائلی از این قبیل.

۳- رعایت‌نشدن دادرسی عادلانه

هر چقدر هم قانون اساسی در اصول ۳۲ الی ۳۹ به موازین دادرسی عادلانه اشاره کرده است اما در برخی موارد شاهد هستیم که قوانین برخلاف این اصول حرکت کرده‌اند. به عنوان مثال حق برخورداری از وکیل یکی از الزامات دادرسی عادلانه است که هم در قانون اساسی ایران و هم در اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است اما در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده که در برخی موارد مانند جرایم امنیتی و سیاسی، متهم نمی‌تواند وکیل دلخواه خود را انتخاب کند یا این‌که مقامات قضایی دادرسی می‌توانند مانع دسترسی وکیل به پرونده شوند.

۴- عدم رعایت مصلحت کودکان

در بسیاری از قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی مقرراتی برای حمایت از کودکان پیش‌بینی شده است. این مقررات اصولی را به عنوان حقوق کودک به رسمیت شناخته‌اند با این حال قوانین ایران در برخی موارد در تعارض با این مقررات است مانند این‌که حداقل سن ازدواج در ایران برای دختران ۱۳ سال است و در سن پایین‌تر نیز تحت شرایطی امکان ازدواج آنان وجود دارد یا این‌که سن مسئولیت کیفری در ایران سن بلوغ شرعی بوده که بسیار پایین است.

۵- حرکت برضد حق آزادی بیان

در اصل ۲۴ قانون اساسی ایران، آزادی مطبوعات به رسمیت شناخته شده و در بسیاری اسناد بین‌المللی این امر به عنوان یک حق بنیادین شناخته شده است اما قوانین ایران

مقرراتی وضع کرده‌اند که این حق را به شدت خدشه‌دار کرده است به عنوان مثال در قانون مطبوعات پیش‌بینی شده است که مطبوعات نمی‌توانند علیه قانون اساسی مطلب بنویسند یا مطلبی منتشر کنند که به اساس جمهوری اسلامی لطمه زند یا این که کسانی که علیه نظام فعالیت می‌کنند - ولو این که تا کنون محکومیتی نداشته باشند - از فعالیت مطبوعاتی محروم هستند.

